

در صفحه ۱۲ بخوانید...

■ برای یک جنبش تک جلدی باخیزیم | علی همدان

■ نویسنده و قتی نویسنده می شود | اثر شه احمدی

■ یک پیشنهاد دلسوزانه و چه شبیهی که تر سیده اند

و...

۱۱



هر یکشنبه با منوچهر آشتیانی

**سر کوب، عامل از بین رفتن قدرت تطبیق و تطابق فرهنگ ایرانی**  
حالا با نام بومی سازی فرهنگی از آن نام می برند. امری که سدها پیش از این فلاسفه، شعرا و اندیشمندان ما در تبادل فرهنگی با سایر فرهنگ ها از آن استفاده می کردند امری که حالا می خواهند به فرهنگ تزریق کنند و از این رو نیز فرهنگ و علوم انسانی آن را پس می زنند.

۹-۱۰

بحث هایی درباره فرهنگ مشورت و خرد جمعی در میان ایرانیان

## خلأ باهم بودن

با حضور یخشعلی قنبری، مهدی غنی، مجتبی رضایی، امید علی احمدی



# اعتراض به اسلام هراسی

◀ نقد خواندنی ماز یا جبرانی، طنز پرداز ایرانی - آمریکایی بر نگرش یک سویه علیه اسلام در غرب که با اتفاقات فرانسه قوت گرفته است  
◀ جبرانی در این مقاله نوشته است بعضی غربی ها خیال می کنند مسلمانان حتی خندیدن را بلد نیستند

صفحه ۱۱ | بخوانید

با یخشعلی قنبری، استاد تاریخ و ادیان مطرح کردیم

## چرا باید در همه امور مشورت کرد

• به طور کلی، جایگاه «مشورت» در سنت دینی ما کجاست؟

موضوع مشاوره و مشورت با افراد تنسب و تلازم بسیار زیادی با بحث رأی اکثریت دارد. یعنی این که فرقه تابع چند تکثیر نبود و به رأی آنها احترام بگذار. چند تکثیر وجود دارد در باب مشورت که لازم می بینم آنها را بیان کنم. نکته اول این است که اصل مشورت، یک اصل قرآنی است. در قرآن به صراحت آمده است که: «و مشاورهم فی الامر»؛ «و امرهم مشوری بینهم». نکته دوم این است که اصل مشورت، آن قدر مهم است که پیامبر اسلام، حضرت ختمی مرتبت برای حفظ اصل مشورت، حاضر به پرداخت هزینه های گزافی شد. هزینه هایی که حتی شامل هزینه جانی بود. نمونه آن، جنگ احد است که در این جنگ، دو نفر مطرح شد؛ یکی این که بیرون از شهر بچکنند و نظر مقابل، یکی نظر پیامبر (ص) بود. این بود که داخل شهر بچکنند. نهایت پیامبر (ص)، تسلیم به رأی اکثریت می شود و می گوید با این که نظر من، مخالف نظر شمامست، اما به احترام اکثریت، حاضر به گذشتن از نظر خود می شود.

بیرون شهر جیگدنس هاشا و اتفاقات و هزینه های بعد از آن، همان یعنی آن قدر این موضوع مشاوره و تابع نظر جمع بودن برای پیامبر (ص) مهم بود که سالین که نظر اشتباه و غلطی بود، پیامبر (ص) به آن تن می دهد. این موضوع را در مورد حضرت علی (ع) هم داریم که با ایشان در موارد بسیار زیادی به مشورت پاران خود، به داده است. در داستان قبیل این سجد، که اتهامی به او وارد شد اما حضرت علی (ع) چنین اتهامی را نپذیرفت و آن را غیر قبول دانست. به این معنا که قبیل، چنین کاری نکرده و نمی کند. اما میزان حضرت امیر (ع)، اصرار کردند و ایشان در مقابل نظر بارانش، کوتاه آمد. اما این داستان می بیند مانند داستان حضرت رسول (ص)، امیر المومنین (ع) هم برای مشورت با پاران، متحمل هزینه می شود. نکته دیگر این است که اصل مشورت در حوزه روحی و روانی انسان، موجب شخصیت و اعتبار او می شود. براساس این آنگاه که عرض کردم، می توان نتیجه گرفت که اصل مشورت در متون اسلامی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

• یعنی مشورت، بیش از نتیجه آن اهمیت دارد؟

بله. موضوع بسیار مهمی در تفسیر این واقع وجود دارد و آن، این است که وقتی شما به صورت قطعی و در یک سازه زمانی خاص به آنها نگاه می کنید، می بینید که حضرت امیر (ع) و پیامبر (ص) چنین خساراتی را متحمل شده اند و اگر اینها تابع نظر جمع نمی شدند، شاید به نفع اسلام و مسلمانان می بود. اما واقعیت این است که وقتی نتایج بلند مدت آنها را در نظر می گیریم، می بینیم که در قضا قضیه بر عکس است. همین کاری که حضرت علی (ع) و پیامبر اعظم (ص) انجام

دادند، باعث این شد که جایگاه مشورت و تابع نظر اکثریت بودن را در یک کنیم. چرا که نتایج بعدی نشان داد که این هزینه ها، به گراف پرداخت نشده است. لذا علی (ع) و پیامبر اکرم (ص)، پیش از ایشان، متحمل این هزینه ها شدند که مسلمانان، شخصیت و اعتبار پیدا کنند. «یکی از دلایل عدم مشورت یک فرد با افراد دیگر، این است که همواره گمان می کنند که آنچه خود به آن دست پیدا کرده اند، حقیقت همه حقیقت است و اگر قسمتی از حقیقت وجود دارد که نتوانسته اند به آن پی ببرند، پس دیگران

• یکی از موانعی که باعث می شود مشورت، صورت بگیرد، موانع معرفتی است. وقتی ما معتقد شویم که فقط گروه خاصی می توانند به حقایق دست پیدا کنند، در آن صورت، طبیعی است که دیگران را برای مشارکت در مورد نظر، دعوت نمی کنیم.

• مشورت، املاات نشانهای از دموکراسی است. لذا مدل اول این سخن که می گویم دین ما دین دموکراتیک است، این است که مشورت در دین ما وجود دارد و این، یکی از ارکان دموکراسی است.

• همه کسانی که به حقیقت، به طور مشکک نگاه می کنند، می توانند این نظر را داشته باشند که حقیقت همواره به طور نام و تمام، بر یک نفر مکتشف نمی شود. مولانا همین افرادی است که معتقد است، ما دست کم در ساحت عقلانی، توانایی رسیدن به حقیقت را نداریم.

نیز نخواهند توانست به آن پی ببرند. آیا این را می پذیرید؟

کاملاً موافق اتفاق همین طور است. یکی از موانعی که باعث می شود مشورت، صورت بگیرد، موانع معرفتی است. به این معنا که وقتی ما معتقد شویم که فقط گروه خاصی می توانند به حقایق دست پیدا کنند، در آن صورت، طبیعی است که دیگران را برای مشارکت در مورد نظر، دعوت نمی کنیم. اما اگر این را بپذیریم که حقایق ممکن است در حوزه معرفت، دارای لایه های مختلفی باشند، در آن صورت، مشورت با دیگران را در نظر و عمل، خواهیم پذیرفت. به اضافه این که مشورت یک جنبه عملیاتی و کاربردی نیز دارد. یعنی واحد یک تم که کاربردی است. آن نمره کاربردی این است که وقتی ما مشورت می کنیم، اگر نمره و نتیجه کار، مان در دست و صواب شد، افراد زیادی در آن سهیم می شوند. یعنی منافع معرفتی، عقلانی، اخلاقی و عملیاتی آن، به همه می رسد و اگر هم در نهایت، خطایی پیش آمد که منجر می شود، لذا دیگران، بگر نظر مقصور نیست، طبیعتاً وقتی (اگر) بگر مشکل را تحمل کنند، بهتر از آن است که همه مشکل را بگیرند. به تنهایی متحمل شوند و بار نتایج و عواقب، خوران آن را بدهش بکنند.

نکته دیگر این است که مشورت، املاات نشانهای از دموکراسی است. لذا مدل اول این سخن که می گویم دین ما دین دموکراتیک است، این است که مشورت در دین ما وجود دارد و این، یکی از ارکان دموکراسی است. یعنی مشورتی که به نظر دیگران اهمیت می دهد و تابع نظر اکثریت می شود.

• اگر ممکن است قدری از موضع مولانا جلال الدین بلخی در تشریح منافع مشورت و کار شورای در میان مردم بگوئید؟

همه کسانی که به حقیقت، به طور مشکک نگاه می کنند، می توانند این نظر را داشته باشند که حقیقت همواره به طور نام و تمام، بر یک نفر مکتشف نمی شود. مولانا همین افرادی است که معتقد است، ما دست کم در ساحت عقلانی، توانایی رسیدن به حقیقت را نداریم.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

### زندگی اجتماعی، کار انفرادی

| مجتبی رضایی | استاد حوزه و دانشگاه

تواصل و تعامل در جامعه اسلامی تأکید دارند. اهل بیت (ع) امر را فرای آن موضوع اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته و چند آیه شریفه بر ضرورت مشورت در کارهای کلان، اجتماعی تأکید دارند. حتی در «شوریه فی الامر» خاندن خطاب به حضرت رسول می فرماید که با مردم مهربان بوده و در کارهایی که به جامعه و امت اسلام مربوط است، با مردم مشورت کند. زمانی که پروردگار از رسول معظم (ص) با وجود مشکلات علمی که ایشان دارند، (رحمه و حی، زیر کسی، خوشبختی و...) می خواهد که در کارها با مردم مشورت کند، نشان دهنده تأکید بین میان اسلام بر انجام مشورت و اخذ تصمیم هار اساس کار شورای و عبارت امروز، خرد جمعی است. احادیث و روایات بسیاری از رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) در این زمینه وجود دارد. براساس یکی از احادیث، آمده بارها تأکید فرمودند: «فقل به» (مضمون) یکی از فواید مشورت گرفتن از دیگران، این است که فرد از فکری استفاده می کند که از بیرون به موضوع و ماجرا نگاه کرده و تعصبات و تمایلات فرارناظر، بنابر این می تواند فرای رها کند. بگذرد که بسبب حب و تعصبات، ماجرا را تجربه و تحلیل کرده و مصادقه نظر خود را بیان کند.

حال این پرسش مطرح می شود که چرا پیامبر گرامی (ص) و اهل بیت (ع) به این اندازه بر موضوع مشورت و ضرورت کار شورای تأکید دارند. یکی از دلایل اصلی این است که افراد را از استبداد فکری رهایی داده و جامعه اسلامی را به ستمی هدایت کنند که مردم با دیگران همکاری، همنوایی و تعامل دارند. زمانی که به صورت دقیق احادیث و روایات اسلامی در حوزه مشورت را تحلیل کنیم، درمی یابیم که معصومان (ع) بر ۳ عنصر تبانی،

تبادل، تواصل و تعامل در جامعه اسلامی تأکید دارند. اهل بیت (ع) امر را فرای آن موضوع اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته و چند آیه شریفه بر ضرورت مشورت در کارهای کلان، اجتماعی تأکید دارند. حتی در «شوریه فی الامر» خاندن خطاب به حضرت رسول می فرماید که با مردم مهربان بوده و در کارهایی که به جامعه و امت اسلام مربوط است، با مردم مشورت کند. زمانی که پروردگار از رسول معظم (ص) با وجود مشکلات علمی که ایشان دارند، (رحمه و حی، زیر کسی، خوشبختی و...) می خواهد که در کارها با مردم مشورت کند، نشان دهنده تأکید بین میان اسلام بر انجام مشورت و اخذ تصمیم هار اساس کار شورای و عبارت امروز، خرد جمعی است. احادیث و روایات بسیاری از رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) در این زمینه وجود دارد. براساس یکی از احادیث، آمده بارها تأکید فرمودند: «فقل به» (مضمون) یکی از فواید مشورت گرفتن از دیگران، این است که فرد از فکری استفاده می کند که از بیرون به موضوع و ماجرا نگاه کرده و تعصبات و تمایلات فرارناظر، بنابر این می تواند فرای رها کند. بگذرد که بسبب حب و تعصبات، ماجرا را تجربه و تحلیل کرده و مصادقه نظر خود را بیان کند.

ادامه در صفحه ۱۰